

دولت سیزدهم و توازن گرایی نوین

در سیاست خارجی

چکیده مطلب:

۱- عضویت در پیمان شانگهای بر مبنای یک نگاه و سیاست راهبردی صورت می گیرد؛ سیاستی که «نگاه به شرق» و «تکثیر زمین های بازی» نامیده می شود و هدف از آن، تعادل و توزان بخشی به سیاست خارجی ایران در مقابل یک جانبه گرایی غرب محور در سیاست خارجی و تمرکز بر برجام است.

۲- شکست سیاست انزوای ایران، زمینه سازی جدی برای تجلی راهبرد نگاه به شرق، تأثیر مثبت بر مذاکرات هسته ای وین، تقویت همکاری های امنیتی بویژه در ارتباط با افغانستان، دستاوردهای غیرمستقیم اقتصادی برای ایران، کمک به شکل گیری اتحادهای ضدتروریستی، نمایان سازی افول هژمونی بین المللی آمریکا و رهایی کشورهای آسیای میانه از تنگنای ژئوپلیتیکی از جمله پیام ها و دستاوردهای عضویت ایران در سازمان شانگهای برای ایران و سایر اعضای این سازمان می باشد.

۳- با این حال، باید توجه شود که این امر باید در نگرش راهبردی و بلندمدت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه متناسب با اهمیت خود را پیدا کند و به سیاستی پایدار تبدیل شود. علاوه بر این، ضمن داشتن برنامه عملیاتی و دقیق برای بهره‌مندی از مزایای عضویت در سازمان شانگهای، باید دقت شود که توازن‌گرایی و هر راهبرد دیگری به هیچ وجه نباید به معنای جایگزینی با ظرفیت‌های داخلی و یا حتی تصور منتج به آن شود؛ زیرا راه‌حل مسائل ایران در درون ایران قرار دارد و باید در هرگونه تعامل خارجی به این نکته توجه شود تا اتکای ما به طرف‌های خارجی نباشد.

دولت سیزدهم و توازن‌گرایی نوین در سیاست خارجی

امام‌خانه‌ای «مد ظله‌العالی»

«در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است.»

مقدمه

عضویت ایران در سازمان شانگهای، آن هم در زمانی که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های آمریکا قرار دارد و در عین حال، با روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران، تلاش می‌شود تا مرکز ثقل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای شرقی، آسیایی و همسایه متمرکز شود، موضوعی حائز اهمیت است که می‌تواند پیام‌ها و دستاوردهای دو و چندجانبه‌ای را برای ایران و سایر کشورهای عضو این سازمان داشته باشد.

در ایران، به طور عمده، با توجه به تحریم‌های ضدایرانی آمریکا و همچنین رشد قدرت چین در نظام بین‌الملل، عضویت ایران در شانگهای را بیشتر با دو نکته تحلیل کرده‌اند:

اول مزایای اقتصادی عضویت ایران در این سازمان بویژه در دور زدن تحریم‌های ضدایرانی و دیگری، تمایل کشورهای شرقی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در سطح منطقه بویژه در آسیای میانه. نکته مهم‌تر در این زمینه آن است که در برخی رسانه‌ها از عضویت ایران در این سازمان به یارگیری ایران در مقابل آمریکا تعبیر می‌شود.

اگرچه هر دوی این نوع تحلیل‌ها و گزاره‌ها درست می‌باشد، اما باید توجه داشت که سازمان شانگهای، بیشتر ماهیت سیاسی - امنیتی دارد و روابط اقتصادی در قالب این سازمان، چندان در اولویت قرار ندارد؛ زیرا این سازمان هنوز کارکرد چندانی شبیه اتحادیه‌های اقتصادی برای خود تعریف نکرده است. هرچند که ورود ایران به این سازمان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ی مناسبات اقتصادی با اعضای این سازمان نیز باشد. با این حال، اینکه سازمان شانگهای چه مأموریتی برای خود تعریف کرده و عضویت ایران در این سازمان متضمن تأمین چه منافعی برای ایران و سایر اعضای آن است، به بحث و بررسی دقیق‌تری نیاز دارد که در متن حاضر تلاش می‌شود تا بدان پرداخته شود.

چگونگی تشکیل سازمان شانگهای

این سازمان در ابتدا در قالب گروه شانگهای و یا جی ۵ متشکل از کشور چین و چهار همسایه آن یعنی روسیه، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ (۶ اردیبهشت ۱۳۷۵) با هدف حل و فصل مسائل مرزی بین این کشورها تشکیل شد. به دنبال نشست‌های سال ۱۹۹۸ در آلماتی و ۱۹۹۹ در بیشکک و ۲۰۰۰ در دوشنبه، این سازمان به سوی اهدافی غیر از هدف اولیه که حل و فصل اختلافات مرزی بود، گرایش پیدا کرد و اسناد دیگری پیرامون مبارزه مشترک علیه قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته و نیز تثبیت همکاری راهبردی در زمینه‌های اقتصادی از جمله احیای جاده ابریشم به امضای طرفین رسید. در چارچوب همین گرایش جدید، شرکت کنندگان از اقدامات روسیه در چپن شدیداً حمایت کرده و دخالت‌های ناتو را در کوزوو محکوم کردند.

نشست این گروه در سال ۲۰۰۱ (تقریباً یک ماه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر) در شهر شانگهای چین برگزار شد. در این نشست، نخست کشور ازبکستان به عنوان عضو جدید پذیرفته شد که عملاً نام گروه را به «شانگهای ۶» تغییر داد. سپس در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱، سران کشورهای عضو تأسیس «سازمان همکاری شانگهای» را با هدف افزایش سطح همکاری‌ها اعلام کردند. بدینگونه سازمان همکاری شانگهای شامل کشورهای فوق به منظور ترویج و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، دوستی بین اعضا، ترویج

همکاری‌های مؤثر سیاسی، علمی، فرهنگی، آموزشی، انرژی، حمل و نقل، محیط زیست و مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی در شانگهای چین تأسیس شد.

علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، هند و افغانستان نیز در سال ۲۰۱۲ به عنوان اعضای ناظر به سازمان ملحق شدند. اخیراً نیز در پایان اجلاس بیست‌ویکم که در دوشنبه پایتخت تاجیکستان برگزار شد، جمهوری اسلامی ایران، با رأی تمام اعضا رسماً به عضویت این سازمان درآمد. نقش این سازمان از زمان تأسیس آن تاکنون در منطقه افزایش یافته است. گفتنی است که نقش اصلی و تعیین‌کننده را در این سازمان، چین و روسیه ایفا می‌کنند. این سازمان از سویی درصدد حل مشکلات کشورهای عضو می‌باشد و از سوی دیگر و مهمتر از آن، برای احیای ابرقدرتی شرق و مقابله با توسعه‌طلبی‌های آمریکا گام‌های خوبی را برداشته است که از آن جمله می‌توان به مانور مشترک نظامی چین و روسیه در سال ۲۰۰۵ با عنوان «مأموریت صلح ۲۰۰۵» اشاره کرد. گفتنی است این مانور نظامی باعث رشد سریع همکاری‌های تسلیحاتی بین پکن - مسکو شد. با این حال، این سازمان، برخلاف ناتو و پیمان ورشو سابق، هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به‌شمار نمی‌رود.

اهداف سازمان شانگهای

با تشکیل سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱، این سازمان رسماً در اعلامیه شکل گیری خود، حوزه فعالیت سازمان را همکاری امنیتی در زمینه مقابله با پدیده‌های سه گانه «افراط گرایی، تروریسم و جدایی طلبی» در سطح منطقه ای اعلام کرد. با این حال، یک سال بعد زمانی که اساسنامه سازمان تهیه و به امضای اعضا رسید، اهداف سازمان باز هم گسترش بیشتری پیدا کرد و موضوعات متنوعی را تحت پوشش قرار داد. مطابق با اساسنامه سازمان، اهداف سازمان شامل موارد متعددی است، از جمله:

- ۱- تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان اعضا،
- ۲- تحکیم همکاری های چندجانبه برای حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ارتقای نظم سیاسی - اقتصادی جدید بین المللی بر مبنای دموکراسی، عدالت و عقلانیت،
- ۳- اقدام مشترک علیه تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی در اشکال مختلف آن،
- ۴- تشویق همکاری های مؤثر منطقه ای در تمامی حوزه های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و فرهنگی،
- ۵- کمک به رشد اقتصادی و توسعه فرهنگی و اجتماعی در منطقه،
- ۶- موارد متعدد دیگری همچون همکاری در زمینه مسائل حقوق بشری و همگرایی در اقتصاد جهانی نیز در دستور کار این سازمان قرار دارد.

هر چند طی سه دهه اخیر، چین به عنوان مهمترین عضو و بنیان‌گذار این سازمان، در راستای استراتژی ظهور مسالمت‌آمیز خود سه هدف اصلی شامل؛ ۱- کاهش تنش در محیط امنیتی و در مرزهای وسیع چین با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی برای تمرکز بر اهداف داخلی؛ ۲- اطمینان بخشی به همسایگان پیرامون ظهور چین و کاهش تنش و همچنین فراهم ساختن زمینه‌های کنترل هرچه بهتر استان مسلمان‌نشین سین کیانگ و ۳- ایجاد موازنه محتاطانه در برابر آمریکا را مد نظر قرار داده است، اما به نظر می‌رسد توسعه طلبی‌های ناتو و آمریکا به اروپای شرقی و حتی لهستان، نگرش چین و روسیه را با توجه به کارویژه اولیه این سازمان تغییر داده و دو کشور مؤسس سازمان شانگهای را بر آن داشته است تا با رویکردی جدید به همکاری‌های چند جانبه در قالب این سازمان منطقه‌ای بپردازند.

مناقشه درباره دریای چین جنوبی میان پکن و غرب رو به افزایش است و چین عملاً مقررات پرواز ممنوع را بر فراز منطقه مستقل تحت حاکمیتش برقرار کرده است. آمریکا اخیراً مدعی شد چین با ساخت جزیره مصنوعی در دریای چین جنوبی تلاش دارد توپخانه و تجهیزات نظامی در آن مستقر کند. بازبینی جدید راهبرد دفاعی آمریکا با هدف مهار توان رو به رشد چین در دو حوزه نظامی و اقتصادی بر این اساس ارزیابی می‌شود.

از سویی با توجه به تحولات جدید جهانی به خصوص حوادث غرب آسیا و اوکراین و محاصره و تحریم‌های غرب علیه روسیه، مسکو قصد دارد بعد از پذیرش هند و پاکستان، با پذیرش ایران به عضویت دایم سازمان همکاری شانگهای، امکانات و توانایی این سازمان منطقه‌ای را در برابر سیاست توسعه‌طلبانه ناتو به شرق افزایش دهد. باید توجه داشت که گسترش ناتو به شرق به عنوان چالشی برون‌زا برای این سازمان، بویژه پس از نگرش اوراسیاگرایانه در سیاست خارجی روسیه، مطرح است. از این رو، مسکو با هدف کاهش میزان تحریم‌های غرب و ایجاد توازن در برابر بلندپروازی‌های ناتو، پذیرش اعضای جدید و گسترش سازمان شانگهای را در دستور کار قرار داده است.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی و همچنین با داشتن ذخایر بزرگ انرژی، می‌تواند در تقویت جایگاه سازمان همکاری شانگهای نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده و همانگونه که رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرد، سبب افزایش توان این پیمان منطقه‌ای شود.

درباره‌ی ظرفیت‌های سازمان شانگهای هم باید گفت که شانگهای اکنون با عضویت ایران، ۹ عضو رسمی و ۳ عضو ناظر دارد. کشورهای عضو این سازمان، یک‌سوم خشکی‌های جهان، ۴۲ درصد جمعیت و ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی دنیا، ۲۱ درصد ذخایر نفت و ۴۶ درصد از کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. حجم اقتصاد اعضای سازمان شانگهای، ۳۲ درصد از حجم اقتصاد اتحادیه اروپا بیشتر است. نکته مهم در این

میان، موقعیت ویژه جمهوری اسلامی از حیث برخورداری از منابع انرژی و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی است.

مبنای راهبردی عضویت در شانگهای

عضویت در پیمان شانگهای بر مبنای یک نگاه و سیاست راهبردی صورت می‌گیرد؛ سیاستی که «نگاه به شرق» و «تکثیر زمین‌های بازی» نامیده می‌شود و هدف از آن، تعادل و توازن بخشی به سیاست خارجی ایران در مقابل یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور در سیاست خارجی و تمرکز بر برجام است. درواقع، جمهوری اسلامی در این مقطع می‌کوشد تا با روی آوردن به توسعه‌ی روابط و مناسبات بویژه در بعد اقتصادی با کشورهای آسیایی، شرقی و همسایه، از نقش و جایگاه برجام در سیاست خارجی خود بکاهد. این سیاست، قطعاً عاقلانه بوده و الزامی برای تأمین منافع ملی کشور می‌باشد.

در خصوص توازن‌گرایی نوین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید گفت که مدت‌ها پیش رهبر معظم انقلاب بحث «نگاه به شرق» را مطرح کردند که نخستین طلوعی جدی آن، امضای سند همکاری‌های جامع ۲۵ ساله با چین در ابتدای امسال بود. اکنون و در فضایی که بحث احیای برجام هنوز یک مسأله‌ی جدی و پیچیده میان ایران و غرب است، عضویت دایم ایران در سازمان شانگهای، دومین گزینه‌ی راهبردی ایران برای تأکید جدی آن بر توجه بیشتر به کشورهای شرقی و همسایه است. در این خصوص باید گفت که نگاه به شرق و توازن‌گرایی در سیاست خارجی، نه یک انتخاب، بلکه

یک الزام برای جمهوری اسلامی است ؛ زیرا باتوجه به ظرفیت‌های متعدد ایران در حوزه‌های مختلف از یک سو و همچنین، نیازهای متعدد کشور به همکاری‌های بین‌المللی، کشورمان باید بتواند بر مبنای این ظرفیت‌ها و نیازها، با مجموعه‌ی کشورهای دنیا (نه فقط کشورهای غربی) ارتباطات متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهایش برقرار کند.

پیام‌ها و دستاوردهای عضویت ایران در سازمان شانگهای

همانگونه که رئیس‌جمهور روسیه، عضویت ایران در این سازمان را باعث تقویت اقتدار این سازمان دانست، عضویت ایران در شانگهای متضمن دستاوردهای دو و چند جانبه برای ایران و سایر اعضای این پیمان است و در عین حال، حاوی پیام‌های مهمی است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱. شکست سیاست انزوای ایران: یکی از اهداف و برنامه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، انزوای دیپلماتیک ایران بوده است. واشنگتن و متحدانش همواره کوشیده‌اند در روابط ایران با سایر کشورها، نهادهای بین‌المللی و بین‌الدولی اختلال ایجاد کنند. اختلال در این روابط، چند منفعت همزمان برای دشمنان ایران دارد؛ نخست اینکه خود، نوعی فشار محسوب شده و این پیام را به ایران مخابره می‌کند که چاره‌ای جز تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های آنها ندارد. دوم آنکه قدرت ایران برای کاهش فشار تحریم‌ها را کاهش داده و مهار می‌کند. سوم آنکه مانع از رسیدن صدای ایران به سایر بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای می‌شود. وقتی صدای ایران کوتاه

باشد، جای آن را «روایت غربی‌ها از ایران» می‌گیرد و دیگران را بیش از پیش دچار سوء تفاهم و سوء ظن می‌کند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها بهتر می‌توانند برچسب‌های مدنظر خود را به ایران بچسبانند؛ از ادعای حمایت از تروریسم گرفته تا تلاش برای تولید بمب اتمی و نقض حقوق بشر و غیره. عضویت ایران در سازمان شانگهای، ضربه‌ای قابل توجه و دردناک برای آمریکایی‌ها در این مواجهه خصومت آمیز است.

۲. زمینه‌سازی جدی برای تجلی راهبرد نگاه به شرق: دولت سیزدهم در پی چرخش در دیپلماسی کشور است. در هشت سال گذشته، دیپلماسی کشور، غرب‌محور و برجام‌پایه بود. این دیپلماسی نه تنها گرهی از مشکلات کشور نگشود، بلکه حتی مشکلات را افزایش داد و تعمیق هم کرد. رئیسی وعده داد که این مسیر را تغییر داده و همکاری‌های منطقه‌ای و مراوده بیشتر با همسایگان را جایگزین آن کند. عضویت در شانگهای، فرصتی مهم برای عملیاتی کردن این وعده و رویکرد است. پذیرش عضویت ایران، گام اولیه و ابتدایی در این مسیر است؛ گامی که می‌تواند با اقدامات مکمل دیگر، تقویت هم بشود.

۳. تأثیر مثبت بر مذاکرات هسته‌ای وین: در چارچوب مذاکرات حفظ و احیای برجام، ایران در شرایط جدید جایگاه ارتقایافته‌ای در مذاکرات آتی در وین خواهد داشت. از این منظر، اعضای اروپایی و آمریکا نگاه متمایزی نسبت به ایران

داشته و روسیه و چین نیز در روند همگرایانه جدید می‌توانند با ضریب اطمینان بالاتری موضع‌گیری کنند. از این منظر، موکول کردن از سرگیری مذاکرات جدید به بعد از نشست شانگهای یک استراتژی موفق و کارآمد بود که می‌تواند امتیازهای بیشتری را در زمینه لغو تحریم‌ها برای ایران به ارمغان آورد. همین امر می‌تواند سبب تقویت بهره‌گیری از وزنه سیاسی چین و روسیه در سایر موضوع‌های بین‌المللی شود. البته در این فرآیند نیز نسبت به هزینه‌های احتمالی در فرآیند چانه‌زنی روسیه و چین به‌ویژه در تعاملات این بازیگران با غرب نیز باید توجه داشت که در آینده ابعاد بیشتری از آن مشخص خواهد شد.

۴. تقویت همکاری‌های امنیتی بویژه در ارتباط با افغانستان: در حوزه

امنیتی اما با صرف نظر کردن از موضوعات کارکردی نظیر مبارزه با تروریسم، مقابله با قاچاق مواد مخدر و حتی تسهیل عضویت ایران در دیگر سازمان‌های منطقه‌ای، باید توجهی ویژه به موضوع افغانستان داشت. اکنون تمام همسایگان افغانستان به جز ترکمنستان که به دلیل بی‌طرفی امکان عضویت در شانگهای را ندارد، عضو این سازمان هستند. این امر تقویت پلت‌فرم مبتنی بر همسایگان افغانستان را که از ایده‌های ایران بوده است، در چارچوب طرح «گروه تماس شانگهای» تقویت می‌کند. به بیان دیگر، حضور ایران می‌تواند حتی ابعاد عملگراییانه‌تر و کاربردی‌تری را به پلت‌فرم شانگهای برای افغانستان اعطا کند. درعین حال، تلاش‌های آمریکا برای حذف ایران

از چارچوب‌های سیاسی مذاکره با طالبان ناکام مانده و تمام طرفین مرتبط با گروه‌های ذی‌نفع در عرصه سیاسی و امنیتی افغانستان می‌توانند یک فرآیند چانه‌زنی برای تقلیل تعارض منافع به دست آورند. توافق پاکستان و تاجیکستان برای ایجاد یک کریدور بشردوستانه به پنجشیر در خلال نشست شانگهای در دوشنبه نمونه‌ای موفق از این امر محسوب می‌شود. چنانچه اعضای سازمان شانگهای بتوانند به طور موفق، ابتکار روندهای دیپلماتیک در افغانستان را در دست بگیرند، این امر می‌تواند مکمل شکست سیاسی - نظامی آمریکا در افغانستان باشد.

۵. دستاوردهای غیرمستقیم اقتصادی برای ایران: در حوزه اقتصادی اما مباحث بسیار مناقشه‌برانگیزتر است. با وجود آنکه شانگهای اساساً یک سازمان امنیتی و سیاسی است، نگاه‌های عمومی در ایران به گشایش‌های اقتصادی در آن بسیار پررنگ‌تر است. شانگهای از سال ۲۰۰۷ به بعد تلاش کرده تا ابعاد اقتصادی خود را پررنگ‌تر کند، اما کماکان فاصله زیادی با اتحادیه‌های اقتصادی نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا یا سازمان همکاری اقتصادی (اگو) دارد. نگاه شانگهای به حوزه اقتصاد عموماً فاکتوری برای تقویت همگرایی سیاسی است. از این منظر، اگرچه ممکن است دستاورد خاصی در حوزه‌های تجاری و اقتصادی در چارچوب عضویت در شانگهای نصیب ایران نشود، اما از منظر اقتصاد سیاسی می‌تواند حائز منفعتی باشد. این موضوع به‌ویژه در حوزه مقابله سیاسی با فرآیند اعمال و اثربخشی تحریم‌ها حائز

اهمیت است. همچنین باتوجه به آنکه مبتکرین دو پروژه بزرگ ترانزیتی منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله ابتکار یک کمربند- یک راه (BRI) و کریدور بین‌المللی شمال- جنوب (INSTC) هم‌اکنون در شانگهای حضور دارند، تقویت نقش آفرینی ایران در دو پروژه با عضویت در شانگهای می‌تواند تقویت شده و هزینه‌های ناشی از رقابت دو پروژه نیز به نحوی کمرنگ‌تر شوند. لذا، به طور کلی عضویت در شانگهای به‌صورت ایجابی مزیت مستقیم اقتصادی برای ایران ندارد اما منجر به ارتقای جایگاه ژئواکونومیک ایران می‌شود.

۶. کمک به شکل‌گیری اتحادهای ضد تروریستی: این موضوع بویژه برای

ایران و روسیه که در سطح منطقه غرب آسیا درگیر نبرد با تروریسم هستند، اهمیت جدی دارد؛ زیرا یکی از ارکان اصلی مأموریت‌های شانگهای، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی تعریف شده است. حتی با یک دیپلماسی قوی می‌توان از ظرفیت‌های این سازمان برای مبارزه با گروه‌های تروریستی ضدانقلاب هم بهره برد.

۷. نمایان‌سازی افول هژمونی بین‌المللی آمریکا: اگرچه در رسانه‌ها به طور

عمده از شانگهای به عنوان پیمانی امنیتی برای مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا و ناتو در آسیای میانه و شرق آسیا نام برده می‌شود، اما واقعیت آن است که اعضای این پیمان تاکنون تلاش جدی برای علنی‌سازی تقابل‌های خود با آمریکا و ناتو انجام نداده‌اند. یکی از مهمترین دلایل مخالفت یا کم‌میلی اعضا بویژه چین و روسیه با عضویت

رسمی ایران در این سازمان، به همین مراقبت آنها برای جلوگیری از علنی سازی تقابل ها با ناتو بود. با این وجود، اینکه در مقطع کنونی بویژه چین حاضر شده تا علی رغم مخالفت آمریکا، موافق عضویت ایران در شانگهای باشد، هم به تشدید تنش های آمریکا و ناتو با چین برمی گردد و هم به افزایش قدرت چین در سطح نظام بین الملل. همین امر می تواند نشانی از افول بیش از پیش هژمونی آمریکا باشد؛ بدین معنا که برخلاف سابق، هم چین اکنون واژه ای از علنی سازی تقابل ها با آمریکا ندارد و هم آمریکا اکنون در موقعیتی نیست که دیگران نتوانند برخلاف میل او اقدامی انجام دهند.

۸. رهایی کشورهای آسیای میانه از تنگنای ژئوپلیتیکی: چهار عضو

آسیای میانه ای سازمان شانگهای، یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، به آب های آزاد دسترسی ندارند. کشورهای محصور در خشکی با مشکلات متعدد ژئوپلیتیکی، ترانزیتی و مبادلاتی مواجه هستند. نزدیک ترین و مقرون به صرفه ترین مسیر این کشورها برای دسترسی به آب های آزاد، از طریق ایران است. شبکه ریلی شمال به جنوب ایران می تواند شاهراهی حیاتی برای سازمان شانگهای باشد. نکته مهم اینجاست که ایران برای توسعه بندر چابهار، با هند به عنوان عضو این سازمان، قرارداد دارد و این موضوع به راه اندازی این مسیر حیاتی، کمک می کند. در واقع ایران

می‌تواند با خط ریلی شمال به جنوب و بنادر خود، معضل محصور بودن آسیای میانه را حل کند و یک معامله برد-برد اقتصادی و طولانی مدت را رقم بزند.

ملاحظات تحلیلی (درس‌ها و عبرت‌ها)

عضویت ایران در سازمان شانگهای اقدامی مهم، راهبردی و در راستای آسیاگرایی و توازن بخشی به سیاست خارجی ایران است. نکته‌ی حائز اهمیت در این خصوص، بویژه در ارتباط با سیاست توازن گرایی در سیاست خارجی ایران آن است که قدمت این موضوع به بیش از دو قرن پیش در سیاست خارجی ایران و به زمانی برمی گردد که متأثر از بدعهدی‌های انگلیس و فرانسه در قبال ایران، دستگاه حاکمه‌ی قاجار مجبور شد با اتخاذ سیاست «قدرت سوم» برای توسعه‌ی روابط با سایر کشورهای اروپایی همچون آلمان، اتریش، سوئیس و بلژیک تلاش کند. این سیاست در دوره‌های بعدی هم ادامه یافت، اما همواره به سه دلیل مهم، با شکست مواجه شده است:

۱- توازن گرایی در تاریخ سیاست خارجی ایران متأثر از یک نگرش راهبردی و بلندمدت نبوده است، بلکه همواره وقتی با بدعهدی یک سری کشورها مواجه شده ایم، با توسعه‌ی روابط با سایر کشورها در صدد توازن گرایی برآمده ایم.

۲- به دلیل ضعف قدرت در تاریخ معاصر ایران و همچنین، موقعیت ضعیف ایران (قوی نبودن) و عدم ابتکار عمل در توسعه‌ی ظرفیت‌های مختلف کشور، این سیاست با شکست مواجه شده است.

۳- به دلایل مختلف، بویژه به دلیل ارزیابی‌های غلط از روابط و نظام بین‌الملل و همچنین، کم‌دقتی در پی بردن به رموز توسعه‌یافتگی و قوی شدن، در ارتباط با کشورهای مختلف، همواره در خفایای خاطر دولتمردان و مردم ایران حک شده که با یک یا چند توافق با کشورهای دیگر، مشکلات ایران، بویژه در بعد اقتصادی حل خواهد شد و ایران می‌تواند به کشوری قوی تبدیل شود. این قصه سر دراز دارد؛ از زمانی که در دوره‌ی آق‌قویونلوها، در قرارداد با ونیزی‌ها درصدد بودیم تا آنها با فعالیت در ایران بتوانند دست ایران را در رقابت با عثمانی‌ها پر کنند تا زمان قاجار و اتخاذ سیاست نیروی سوم که طی آن تلاش می‌شد تا با وارد کردن کشورهای چون اتریش، سوئیس، بلژیک، آلمان و حتی آمریکا (آن زمان در ایران معروف به ینگه‌ی دنیا بود) به ایران، از حضور آنها در ایران برای کنترل رقابت روسیه و انگلیس در ایران استفاده شود و... این سیاست در دوره پهلوی هم ادامه یافت که ناکام ماند. غافل از آنکه قوی شدن به طور عمده وابسته به جوش و خروش درونی است.

براین اساس، اکنون که دولت سیزدهم بدرستی و دقت درصدد ایجاد توازن در سیاست خارجی برآمده، باید توجه شود که این امر باید در نگرش راهبردی و

بلندمدت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران، جایگاه متناسب با اهمیت خود را پیدا کند. توازن‌گرایی در سیاست خارجی، برای هر کشور و در هر موقعیتی، باید مدنظر باشد و از نگاه کوتاه‌مدت به این موضوع باید پرهیز شود. در این زمینه بویژه باید دقت شود که تجربه‌ی نسبتاً ناموفق شرق‌گرایی که از سال ۱۳۸۴ آغاز شد و در سال ۱۳۹۲ به بعد به نوعی رها شد، تکرار نشود. هرچند از همان سال ۱۳۸۴ نیز ایرادهای جدی بر کیفیت شرق‌گرایی دولت وارد بود.

علاوه بر این، ایران تا زمانی که از مزیت‌های مناسبی در داخل برخوردار نباشد و مصمم به تعامل با سایر کشورها براساس این مزیت‌ها نباشد، توازن‌گرایی و غیر آن نمی‌تواند کمک‌کننده به حل مشکلات کشور باشد. درواقع، کلید موفقیت هر راهبردی در سیاست خارجی آن است که در داخل کشور آنقدر هوشمندی و سیاست‌گذاری دقیق و درست در فعال‌سازی ظرفیت‌ها و بالفعل کردن توانمندی‌های داخلی وجود داشته باشد که بتواند اقتصاد ایران را به اقتصاد سایر کشورها گره بزند، به گونه‌ای که طرف‌های مقابل خود را مجبور به توسعه‌ی مناسبات با ایران بدانند. بنابراین، دولت باید در اسرع وقت یک دستور کار عملیاتی و سنجیده برای استفاده از این ظرفیت تهیه کند. بدون داشتن برنامه مشخص و عملیاتی، این عضویت به دستاورد دیپلماتیک محدود خواهد بود. هنر دولت آن است که با داشتن برنامه مدون –

برنامه‌ای زمان‌بندی شده و متکی به ارقام واقعی و منطقی - و فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی، این دستاورد سیاسی را به نتایج ملموس اقتصادی تبدیل کند.

به عنوان نکته آخر باید گفت که توازن‌گرایی و هر راهبرد دیگری به هیچ وجه نباید به معنای جایگزینی با ظرفیت‌های داخلی و یا حتی تصور منتج به آن شود. به طور دقیق‌تر باید گفت که هم‌اکنون نباید تصور شود که به طور مثال، چینی‌ها می‌آیند و با سرمایه‌گذاری و کار در ایران، ایران را از دام تحریم نجات می‌دهند. چینی‌ها می‌توانند در این زمینه به ایران کمک کنند؛ به شرطی که ابتدا در داخل کشور، بتوانیم سیاست‌های مستحکمی در این زمینه اتخاذ کنیم و استعداد‌های چینی را جایگزین استعداد‌های ایرانی ندانیم. راه‌حل مسائل ایران در درون ایران قرار دارد و باید در هر گونه تعامل خارجی به این نکته توجه شود تا اتکای ما به طرف‌های خارجی نباشد.